

اثربخشی آموزش خرد با رویکرد اسلامی بر کاهش رفتارهای پر خطر در دانش آموزان مقطع

متوسطه شهرستان نجف آباد

عباسعلی مهدیه

چکیده

هدف از مطالعه حاضر تعیین اثربخشی آموزش خرد با رویکرد اسلامی بر رفتارهای پر خطر دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان نجف آباد در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بوده است. روش تحقیق پژوهش حاضر، نیمه تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل و جامعه آماری شامل دانش آموزان پسر مقطع دوم متوسطه مشغول به تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در هنرستان‌های شهرستان نجف آباد که در مجموع ۸۰۰ دانش آموز می‌شدند، است. نمونه آماری شامل یک هنرستان (شهید آوینی) که به صورت تصادفی انتخاب و از بین دانش آموزان که در سه پایه (اول و دوم و سوم) ۱۰۰ نفر بودند درخواست شد پرسشنامه رفتارهای پرخطر (IARS) را تکمیل نمایند، سپس نمرات آن‌ها مرتب و ۴۰ نفر که بالاترین نمره را کسب کرده بودند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه کنترل (۲۰ نفر) و آزمایش (۲۰ نفر) جایدهی شدند. کسب نمره بالا در این تست به معنای گرایش بیشتر به رفتارهای پرخطر می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده گردید که نتایج آزمون فوق نشان داد بین دو گروه آزمایش و کنترل از لحاظ نمرات گرایش به خشونت، گرایش به دوستی با جنس مخالف، رابطه و رفتار جنسی و رانندگی پرخطر تفاوت معناداری وجود داشت ($P < 0/05$) که می‌توان بیان کرد آموزش خرد با رویکرد اسلامی بر کاهش رفتارهای پرخطر (خشونت، گرایش به دوستی، رفتار جنسی و رانندگی) در دانش آموزان مؤثر بوده است، اما بین دو گروه آزمایش و کنترل از لحاظ نمرات گرایش به مواد مخدر، سیگار و الکل تفاوت معناداری وجود نداشت ($P > 0/05$)؛ یعنی، ۲۷ درصد از واریانس خشونت، ۳۳ درصد گرایش به دوستی با جنس مخالف، ۳۳ درصد رابطه و رفتار جنسی و ۵۹ درصد رانندگی، مربوط به کاهش نمرات رفتارهای پرخطر در دانش آموزان توسط مداخله انجام شده، تبیین گردید.

کلیدواژگان: آموزش خرد با رویکرد اسلامی، رفتارهای پرخطر، دانش آموز

Abstract

The purpose of this study is to determine the effectiveness of micro-education with an Islamic approach to high-risk behaviors among high school students in Najafabad town in the academic year of 2017-2018. The research method of the present study, was half-experimental, with pre-test, post-test, and the control group. The statistical population consisted of the present 2nd-grade secondary school students in the first semester of the academic year 2017-2018 at Najaf Abad city vocational schools, which totaled 800 students. The 100-statistical sample consisted of Shahid Avini vocational school that were randomly selected and asked to complete the questionnaire of high-risk behaviors (IARS) among the students who were in the grades (1, 2, and 3). Afterward, their grades were arranged and 40 subjects who achieved the highest score, were selected and placed randomly in control group: (20 subjects) and experimental group: (20 subjects). Getting a high score in this test means more risky behaviors. For analyzing the data, covariance analysis was used. The results of this test showed that there was a significant difference between the two groups in terms of tendency towards violence, tendency towards friendship with the opposite sex, relationship and sexual behavior, and high risk driving: ($0.05 / 0 > P$). It can be stated that micro education has been effective in students with an Islamic approach to reducing high-risk behaviors (violence, the tendency towards friendship, sexual behavior, and driving). However, there was no significant difference between the two testing and control groups in terms of the tendency toward drugs, alcohol, and smoking: ($P < 0.05$). That is, 27% of the variance referred to violence, 33% to friendship with the opposite sex, 33% to the relationship and sexual behavior and 59% to driving. They were related to the reduction of high-risk behaviors among students through interference.

Key words: Micro-education, Islamic approach, vocational schools, risky behaviors.

الملخص

تهدف هذه الدراسة إلى تقويم مدى التعليم الصغير في ضوء المدخل الإسلامي في السلوكيات الخطرة لدى طلاب المرحلة الثانوية بقضاء نجف آباد للعام الدراسي ١٣٩٧ — ١٣٩٦ للهجرة الشمسية. فقد اتبعت الدراسة الحاضرة المنهج شبه التجريبي وتصميم الاختبار القبلي والاختبار البعدي والمجموعة الضابطة. إن المجتمع الأصلي يشمل الطلاب الدارسين (٨٠٠ طالب) في السنة الثانوية الثانوية في مدرسة الفنون الجميلة بقضاء نجف آباد للعام الدراسي ١٣٩٧ — ١٣٩٦ للهجرة الشمسية، وعيّنة الدراسة قد تكونت بطريقة عشوائية من ١٠٠ طالب يدرس في مدرسة الفنون الجميلة المسماة بالشهيد آويني. ثم تمّ توزيع الاستبانة بينهم حول السلوكيات الخطرة (IARS) ثم وزّع أربعون طالب كانوا قد حصلوا على أفضل درجات، على مجموعتين إحداهما تجريبية وعددها ٢٠ طالب والأخرى ضابطة وعددها ٢٠ طالب. فالحصول على أفضل درجة يعني ميل الطالب إلى السلوكيات الخطرة. وحللت البيانات باستخدام اختبار التباين. وفقاً للبيانات المرصودة تدلّ نتيجة البحث على أنه توجد فروق ذات دلالة إحصائية ($P < 0.05$) بين المجموعتين الضابطة والتجريبية من حيث الميل إلى العنف والترعة نحو الجنس المخالف والقيام بالسلوكيات الجنسية والقيادة الخطرة، مما يؤكد على أن التعليم الصغير في ضوء المدخل الإسلامي كان مؤثراً في تخفيض مدى السلوكيات الخطرة نحو العنف والميل إلى الصداقة والسلوكيات الجنسية والقيادة لدى الطلاب. ولكن لا توجد فروق ذات دلالة إحصائية ($P > 0.05$) بين المجموعتين الضابطة والتجريبية من حيث الميل إلى المخدرات مثل السجارة والكحول وهذا يعني أن التعليم الصغير في ضوء المدخل الإسلامي أدّى إلى تخفيض ٢٧ % الميل إلى العنف و ٣٣ % الترعة نحو الجنس المخالف و ٣٣ % الميل إلى السلوكيات الجنسية و ٥٩ % الميل إلى القيادة.

الكلمات المفتاحية: التعليم الصغير في ضوء المدخل الإسلامي، السلوكيات الخطرة، الطالب